



بسیج دانشجویی دانشگاه خواجه نصیر الدین طوسی
دوره چهارم | شماره دوم

- مسئولیت به ارث رسیده
- دانشجوی استبداد ستیز و
- استکبار ستیز
- علم قدرت ساز
- تاریخ، سپر مستضعفین
- از انحصار تا اقتصاد
- دانشجو، علی انصاری و تولید
- نظم نوین جهانی

بسم الله الرحمن الرحيم

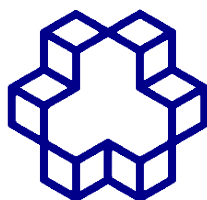
سخن سردبیر:

دانشگاه به عنوان نهاد علم در ایران، مبدأ بسیاری از تحولات ایران معاصر بوده است و دانشجو همواره به عنوان قلب تپنده این موتور محرکه پیشرفت ایران، شناخته شده است. به واسطه همین توقع جامعه، انتظار می‌رود که دانشجو و دانشگاه با درک درست از جایگاه تاریخی خود و شناخت مناسب از صحنه، به سوی تحقق این مأموریت گام بردارد.

شانزدهم آذر بهانه ای است برای پرداختن به همین موضوع؛ اینکه دانشجو و دانشگاه باید در خط مقدم مبارزه با استبداد داخلی و استکبار خارجی حضور داشته باشد. دانشجوی استبدادستیز و استکبارستیز به عنوان مهم ترین عنصر هویت بخش، می‌تواند مقدمات شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را فراهم آورد.

فهرست:

- مسئولیت به ارث رسیده / صفحه ۳
- دانشجوی استبداد ستیز و استکبار ستیز / صفحه ۵
- علم قدرت ساز / صفحه ۶
- تاریخ، سپر مستضعفین / صفحه ۶
- از انحصار تا اقتصاد / صفحه ۸
- دانشجو، علی انصاری و تولید / صفحه ۹
- نظم نوین جهانی / صفحه ۱۰



مسئولیت به ارث رسیده

نویسنده: پاریدا نوبخت ورودی ۱۴۰۳ شیمی

«دانشجو؛ فرزند آگاهی و بیداری است؛ تاب دیدن ظلم و خُرد شدن مظلوم زیر سنگینی ستم ظالم را ندارد و از دیدن استبداد و استکبار در رنج است. دانشجو رسالت خویش را فقط در اندوختن دانش خلاصه نمی‌کند، بلکه خود را پاسدار عدالت، طالب حق و مسئول حال جامعه می‌داند.»

در گام نخست باید نگرینست که چرا دانشجو، که اولین و والاترین وظیفه‌اش کسب علم و به کارگیری آن در مسیر کشور است، گاه باید به مسائلی ورود پیدا کند که از نظر عده‌ای ظاهراً در دایره تخصص او نمی‌گنجد و اصلاً هدف او برای انجام این کارها چیست و با کدام دوراندیشی به مسائل نگاه می‌کند و برای تحقق کدام هدف است که در این مسیر قدم بر می‌دارد. در گام بعد باید به این پرداخت که به چه دلیل تجمع و مطالبه‌گری با خط سیاسی درست و انقلابی یک عده از جوانان کشور که نه وابسته به نهاد دولتی خاص و نه با داشتن حمایت کامل از سمت سازمانی مطرح، در این حد تأثیرگذار است و نشان‌دهنده پویایی و بیداری ملت آن کشور است.

دانشجو گاه به مسائل اقتصادی روی می‌آورد و گاه مسائل سیاسی، فرهنگی و... یعنی هر جایی که «حق» پایمال شود، دانشجو برای پس گرفتن حق در صحنه حاضر است و مخرج مشترک تمام مسائل ذکر شده، سکوت نکردن در برابر ظلم و استکبار است. چه این ستم در هیئت فشارهای درونی بر جامعه رخ دهد و چه در صورت هجمه‌ها و فشارهای حداکثری بیرونی. دانشجوی مسئولیت‌پذیر بیدار و آگاه دائماً در تلاش است تا زمینه خاموشی در برابر ظلم و ظالم را در خود راه ندهد. معنی ظلم و هویت ظالم همواره ثابت بوده و هست و این روش ظالم برای فروکوفتن مظلوم است که در عرصه‌های گوناگون متفاوت است.

اما دانشجوی آگاه و بیدار با بینش و بصیرت خویش، به اهداف پنهان دشمن پی می‌برد و با تبیین درست، جامعه را هوشیار می‌سازد تا مردم را از دام دشمن برهاند و توطئه‌های او را ناکام بگذارد.

از کارهای اخیر جامعه دانشجویی می‌توان به مطالبه محاکمه سهامداران بانک آینده، تجمع دانشجویی محکومیت جنایات درغزه، لبنان، سودان و...، مطالبه آزادی مهدیه اسفندیاری، تجمع دانشجویی برای تداوم صنعت هسته‌ای ایران، تجمع دانشجویی و واکنش جدی به بیانیه پوچ اخیر جبهه اصلاحات، مطالبه قانون کار و کارگر و حتی می‌توان به حضور پرشکوه در مراسم عید غدیر سال ۱۴۰۴ اشاره کرد؛ حضوری که درست یک روز پس از تجاوز نیروی نیابتی منطقه، یعنی اسرائیل، به خاک کشورمان رخ داد و پیام روشنی از ایستادگی و مقاومت ملت ایران را به نمایش گذاشت. این رویداد به تجمعی عظیم تبدیل شد که نه تنها جشنی برای مولایمان، حضرت علی (ع) بود، بلکه نمادی روشن از قدرت، استقامت و ایستادگی ایران در برابر زورگویی‌های چاقوکش‌های بین‌المللی، زیر سایه مولایمان، به شمار می‌رفت.

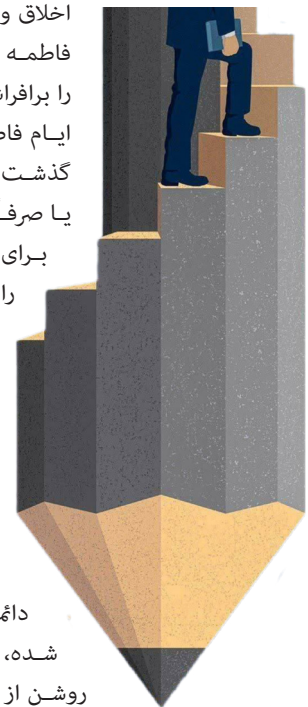
چنین روحیه حق‌طلب و شخصیت شجاع در بیان حق، در مسیر خویش نیازمند الگویی است که عظمت اخلاق و استواری در برابر ظلم را در عالی‌ترین مرتبه به نمایش گذاشته باشد. در تاریخ ما نام حضرت فاطمه زهرا (س) مانند خورشید فروزان می‌درخشد. بانویی که در اوج نجابت و وقار، پرچم حق‌طلبی را برافراشت و در برابر بی‌عدالتی‌ها با صلابت ایستاد.

ایام فاطمیه و اتفاقات جان‌سوزی که بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) بر حضرت صدیقه طاهره (س) گذشت؛ غربت دفن شبانه تا وصیت ایشان به امام علی (ع) و خطبه فدکیه و... یک روایت تاریخی و یا صرفاً دلیل عزاداری و اشک ریختن برای مظلومیت آن حضرت نیست؛ بلکه کلاس درسی است عظیم برای یادگیری مقاومت، بصیرت و ایستادگی...

راه و روش آن حضرت در برابر ظالم و ظلم هربار متناسب با شرایط متغیر بود؛ گاه با صرفاً حضور در جامعه در سکوت عدالت، فریاد زدند و گاه با اعتراض و یا بی‌اعتنایی. حتی وصیت پر از دردشان به امام علی (ع) که گفتند: «غسلنی فی الیل و کفنی فی الیل وصل علی و دفنی فی الیل و لا تعلن احداً». همین وصیت تلخ و پر از تنهایی هم یک روش برای ایستادگی در برابر ظالم و ظلم بود.

قاطعیت و انعطاف‌ناپذیری آن حضرت در مسیر حاکمیت حق، مبارزه با تساهل خواص و خطبه فدکیه تنها نمونه‌هایی از ایستادگی با شکوه ایشان در برابر ظلم است.

ایستادگی آن حضرت در برابر ظلم، تحریف و قدرت‌طلبی در صدر اسلام تبدیل به یک الگوی دائمی شده است و مشی سیاسی ایشان، مشی آگاهانه توأم با بینش و بصیرت، اندیشیده و حساب شده، انتخابی و گزینش شده و مبتنی بر ایمان و عقیده است، خطبه تاریخی فدکیه، نه تنها سندی روشن از روش مبارزاتی و مجاهداتی ایشان است، بلکه تبلور روحیه جهاد تبیین در شخصیت آن حضرت



نگه داشته است و ظالم هم بر اسب ستم خویش تاخته، اما ظالم هربار با تغییر چهره، ظاهر جدید به خود گرفته است. گاه در لباس جنگی با ما ملاقات کرده و گاه با کراوات های رنگی و لبخند دیپلماتیک. اما همواره هم ماهیت ظلم و هم ماهیت ظالم ثابت بوده.

به عنوان مثال در روزگار حضرت فاطمه (س) ظلم در قالب تحریف حقیقت، کنار زدن اهل بیت از جایگاه الهی شان، فشارهای سیاسی بر امیرالمؤمنین (ع)، مصادره ی فدک و بی اعتنایی به وصیت و جایگاه دختر پیامبر (ص) خود را نشان داد و ظالم آن زمان، با زبان قدرت و سیاست، حقیقت را به حاشیه راند و حق را قربانی مصلحت طلبی برخی خواص کرد.

اما امروز، همان ظالم با چهره ای جدید در برابر ما ایستاده است؛ گاهی مانند آمریکا با کت و شلوار اتو کشیده و لبخند دیپلماتیکی، پشت میز حاضر می شود و با اعمال تحریم های اقتصادی، فشارهای سیاسی و سیاست های سلطه گرانه، زندگی ملت ها را هدف قرار می دهد؛ و گاهی هم مانند رژیم صهیونیستی، با لباس جنگی ای که آغشته به خون کودکان مظلوم است، با چهره ی جنگ طلب ظاهر می شود و با اشغال سرزمین ها، کشتار غیرنظامیان، حملات مکرر به غزه، لبنان و حتی دست درازی به خاک کشورمان ایران و نقض آشکار حقوق بشر، همان روش های قدیمی زور، تحریف و سرکوب را ادامه می دهد.

آن روزها با تصمیم های ناعادلانه اشتباه و پنهان کردن و تحریف حقیقت و امروزه با قطعنامه ها، سلاح ها و رسانه های قدرتمند جهانی آرامش مردم و مظلومین را برهم می زنند و سعی در پنهان کردن حقیقت دارند.

اما وظیفه انسان آگاه و مسئولیت پذیر در برابر ستم، از دیروز تا امروز تغییر نکرده است؛ رسالتی روشن که همان دفاع از حق، ایستادگی در برابر ظلم و آشکار ساختن حقیقت است. گاه این مظلوم خود ما هستیم، گاه مردم کشورمان، و گاه مردم مظلوم دور از مرزهایمان که آینده فرزندانمان زیر چکمه های سیاه دشمن لگدمال می شود.

گاه مظلوم را با قحطی و گاه با ریختن موشک ها بر روی سرش و گاه هم با خطاهای مدیریتی برخی مسئولان که با انتخاب های نادرست باعث کوچک تر شدن سفره خانه ها می شود، رنج می دهند. الزاماً مظلوم، فردی ضعیف و ناتوان نیست که صدایی برای بالا بردن و جرئت برای گفتن حقیقت نداشته باشد، بلکه مظلوم در منطق اهل بیت کسی است که حق او پایمال شده باشد و در عین حال قدرت اخلاقی و معنوی اش از ظالم کثیر باشد.

به گفته مقام معظم رهبری: «مظلوم یعنی کسی که حقش را از او گرفته اند، نه کسی که نتواند از خود دفاع کند.»

مظلومیت امیرالمؤمنین (ع) تنها در غصب حق و روی گردانی مردم نبود؛ در صبری بود که بر دل سنگینی کرد و در سکوتی که برای حفظ دین بر لب نشست. او آفتاب عدالت بود که در پس ابرهای نادانی پنهانش کردند، اما نورش هرگز فرو ننشست.

در پایان، دانشجو همان کسی است که همه این سخن ها در او معنا می یابد؛ جوانی که نه به خاطر عنوانش، بلکه به خاطر روح بیدار و ذهن پرسشگرش، پیوندی قوی با مفهوم عدالت خواهی دارد. او وارث همان مسیر روشنگری است که بزرگان ما با ایستادگی ترسیم کردند. پس حضور دانشجو در میدان فهم، تبیین و دفاع از حق، نه یک کار اضافه، بلکه ادامه ی همان راهی است که آگاهان هر عصر بر دوش کشیده اند.



دانشجوی استبداد ستیز و استکبار ستیز

نویسنده: علیرضا یزدان پناه ورودی ۱۴۰۲ مهندسی هوافضا

ای است که ۱۶ آذر را رقم زده است: آگاهی، شجاعت و مسئولیت‌پذیری در برابر جامعه و تاریخ. چه در مجاهدت‌های خستگی‌ناپذیر برای به ثمر نشستن انقلاب اسلامی و چه تلاش‌های بی‌وقفه در حفظ و حراست از آرمان‌های این انقلاب. در تسخیر لانه جاسوسی، در انتخابات ریاست جمهوری، در حفاظت از آرای ملت ایران در سال ۱۳۸۸، در هجرت‌های جهادی برای رفع محرومیت از محروم‌ترین نقاط ایران و همواره مثل ۱۶ آذر ۱۳۳۲ به خوبی تحلیل کرده و به خوبی در صحنه حاضر شده است.

نسل امروز دانشجوی، اگر با همان تعهد و شهامت عمل کند و اگر مسیر‌های انحرافی او را از تشخیص مسئولیت حقیقی خودش باز ندارد، می‌تواند همچنان راه سه شهید ۱۶ آذر را ادامه دهد و دانشگاه را به مرکزی برای خلق فردایی مستقل، عادلانه و روشن تبدیل کند.



۵۵۵ پاییز ۱۳۳۲، دانشگاه تهران حال و هوایی متفاوت داشت. چند ماه از کودتای ۲۸ مرداد گذشته بود و فشار دخالت بیگانگان و سرکوب داخلی، فضای عمومی کشور را سنگین کرده بود. در دانشکده فنی، کلاس‌ها نیمه‌تمام بودند و دانشجویان با چشمانی مضطرب اما پر از انگیزه، در راهروها قدم می‌زدند. زمزمه‌ها از پشت درهای بسته‌ی کلاس‌ها شنیده می‌شد: درباره استقلال ملی، درباره عدالت، درباره آینده‌ای که باید ساخته شود.

صبح ۱۶ آذر، صدای قدم‌های سربازان در محوطه دانشگاه پیچید و چند دانشجوی سراسیمه به پنجره‌ها نگاه کردند. خبر حضور «ریچارد نیکسون» و سفر قریب‌الوقوعش، آتش اعتراضات را شعله‌ور کرده بود. تجمع دانشجویان در دانشکده فنی آرام آرام شکل گرفت و شعارهایی همچون «استقلال ملی، آزادی ملت» و «نه به دخالت بیگانه» فضا را پر کرد.

نیروهای گارد وارد شدند و فضا به سرعت امنیتی شد. دانشجویان با آرامش اما مصمم ایستادند؛ برخی دست‌ها را به نشانه اعتراض بلند کردند، برخی دیگر پشت همدیگر پناه گرفتند، اما کسی عقب ننشست. در میان شلوغی و هیاهوی ناگهانی، گلوله‌ها شلیک شد و سه جوان شجاع—مصطفی بزرگ‌نیا، احمد قندچی و مهدی شریعت‌رضوی—با شجاعت تمام ایستادند و جان خود را فدای استقلال و شرافت دانشگاه کردند.

شهادت این سه دانشجوی، نه پایان حرکت، بلکه نقطه آغاز شد. دانشگاه دیگر صرفاً محل آموزش نبود؛ سنگری شد برای ایستادگی، پرسشگری و مقاومت. خون آنان، ۱۶ آذر را به نمادی تاریخی تبدیل کرد؛ روزی که نشان داد دانشجوی می‌تواند و باید سکوت را بشکند و صدای ملت را به گوش همه برساند.

جنبش دانشجویی پس از ۱۶ آذر، تبدیل به ستون فکری و عملی جامعه شد. دانشجویان، با حس مسئولیت و بینش تاریخی، نشان دادند که دانشگاه می‌تواند مرکز روشنگری، نقد و تغییر اجتماعی باشد. آنها پیش از همه خطر را تشخیص می‌دادند و اغلب نخستین کسانی بودند که صدای حقیقت‌جویی و مطالبه‌گری را بلند می‌کردند.

دانشجویان با حضور در اجتماعات، برگزاری جلسات بحث و پرسشگری در کلاس‌ها و راهروها، و اعتراض‌های آرام اما مستمر، توانستند افکار عمومی را به سمت عدالت، استقلال و شفافیت هدایت کنند. جنبش دانشجویی بارها نشان داد که وقتی دانشگاه بیدار باشد، می‌تواند مسیر تحولات سیاسی و اجتماعی را شکل دهد؛ از مبارزه علیه نفوذ خارجی تا نقد سیاست‌های داخلی و ترویج عدالت اجتماعی.

روح جنبش دانشجویی در عرصه‌های گوناگون ثابت کرد همان روحیه

علم قدرت ساز

نویسنده: سید امیرمسعود رضوی ورودی ۱۴۰۱ مهندسی برق



۵۵۵ برای شروع، بهتر است با یک مثال شروع کنم.

کشور عراق با درآمد مستقل خود که از منابع نفتی است، برای گسترش زیرساخت‌ها و توسعه‌ی صنعتی و اقتصادی کشورش باید مجوز وزارت خزانه‌داری آمریکا را کسب کند. در واقع درآمدهای این کشور مستقیم به حساب خزانه‌داری آمریکا واریز می‌شود و دولت عراق برای تنظیم برنامه‌ی بودجه‌ی سالانه‌ی خود بایستی پیش‌نویسی به دولت آمریکا ارائه کند و بر اساس آن هزینه‌های جاری و آتی خود را دریافت کند. حال به سمت دیگر ماجرا برویم و نگاهی به خودروهای بیاندازیم که در خیابان‌های این کشور در حال تردد هستند. خودروهای لوکس که چشم هر بیننده‌ای را به خودش جذب می‌کند. اما سوالی که مطرح می‌شود این است که کشوری مثل عراق که هنوز در زیرساخت‌هایی اولیه مثل جاده، پل و امثال آن دچار چالش‌هایی جدی است و وضعیت معاش مردمش به مثابه‌ی کشوری جنگ‌زده در حال گذران است، چطور می‌شود که شاهد ویراژ خودروهای درجه یک و پر زرق و برق در خیابان‌های آن هستیم؟

اگر کمی عمیق‌تر بیندیشیم و بررسی کنیم، متوجه فقدان یک اصل و آرمان در این مورد می‌شویم. آرمانی که نبودنش و عدم التفات به آن منجر به این شده که اولویت‌ها در این کشور وارونه شوند و خودروهای گران‌قیمت بر روی جاده‌های فرسوده و پر چاله چوله جولان دهند. در واقع شاهد این هستیم که مسئله و نیاز اصلی این کشور نادیده گرفته شده و جای آن را نامسئله‌های احتمالی گرفته است.

اگر دولت عراق این امکان را داشت که خودش به مسائل و معضلات خودش فکر کند و متناسب با بوم کشورش راهکارهایی برای حل آنها ارائه دهد، شاید وضعیت حمل و نقل عراق جور دیگری بود. اما مشکل اصلی اینجاست که واردات بی‌رویه خودرو در اختیار دولت عراق نیست! بلکه وزارت خزانه‌داری آمریکا در عوض تخصیص بودجه به دولت عراق از درآمدهای نفتی‌ای که متعلق به خود این کشور است، به آنها خودروهای لوکس تحویل می‌دهد. استقلال و عدم وابستگی یک اصل و پارامتر بسیار جدی در پیشرفت و ادامه‌ی مسیر یک کشور است. اگر یک کشوری مستقل نباشد امکان اینکه بتواند به مسائل خودش فکر کند را نخواهد داشت و همین امر موجبات از بین رفتن استعدادها و امکانات آن کشور را فراهم خواهد آورد.

اما مقصود اصلی از طرح این مثال، بیان اهمیت و جایگاه استقلال در پیشرفت و آینده‌ی یک کشور است. حال که به این نتیجه رسیدیم استقلال شرط و پیش‌نیاز پیشرفت یک کشور است، باید به این پرسش پاسخ دهیم که چگونه یک کشور می‌تواند استقلال خود را تضمین و از آن به پیشرفت برسد؟

راهبرد اصلی برای تقویت و تضمین استقلال، تولید قدرت برای آن مجموعه و آن کشور است. هر چقدر که آن سرزمین بتواند برای خود قدرت بیشتری تولید کند، بازدارندگی آن سرزمین و کشور بالاتر میرود؛

این قاعده بدیهی است.

چشم طمع مستعمران و مستکبران بر کشورهای ضعیف است و نه کشورهای قدرتمند.

در اثنای تولید قدرت و قدرتمندتر شدن، این دانشمندان و اندیشمندان هستند که نقش اصلی را ایفا می‌کنند. این شهید احمدی روشن‌ها و شهید طهرانچی‌ها هستند که با زحمات خود دست جمهوری اسلامی را در زمینه‌ی انرژی هسته‌ای پر کردند تا ما حرفی برای گفتن داشته باشیم.

این شهید طهرانی مقدم‌ها و شهید حاجی‌زاده‌ها بودند که دست ما را در حوزه‌ی موشکی و پهپادی پر کردند تا برایش سخت تمام شود کسی که فکر حمله به این مرز و بوم را داشته باشد. و اینجا نقش اصلی دانشمندانی که چه در این حوزه‌ها و چه در حوزه‌های دیگر در پشت صحنه مشغول تلاش و زحمت بودند را مشاهده می‌کنیم که با دستاوردهای خود در کشوری مستقل تولید قدرت کردند تا پیشرفت و آینده‌ی ایران اسلامی را تضمین کرده باشند.

تاریخ، سپر مستضعفین

نویسنده: امیررضا عبدی ورودی ۱۴۰۲ مهندسی مکانیک



۵۵۵ علم تاریخ

اگر در کتابخانه‌ی شخصی‌تان واژه‌نامه‌ای داشته باشید، با باز کردن مدخل «ت» و مشاهده کلمه «تاریخ»، یکی از معانی که به چشم می‌خورد این است: «دانش ثبت، بررسی و تجزیه و تحلیل وقایع». علم تاریخ همچون علوم دیگری چون شیمی، نجوم یا جامعه‌شناسی، به مطالعه مفاهیم و بررسی ارتباطات میان اجزای یک پدیده خاص — یعنی «تاریخ» — می‌پردازد؛ همان‌طور که علم جامعه‌شناسی به شناخت پدیده «جامعه» و فلسفه به پدیده «وجود» توجه دارد تا انسان بتواند از روابط میان این اجزا برای سامان‌دهی زندگی و رشد فکری بهره گیرد.

اما پرسش مهم این است که چرا انسان باید درباره‌ی رخدادهای زندگی دیگران، آن هم در گذشته‌ای که خود نقشی در آن نداشته، آگاهی پیدا کند و آن را در قالب «علم» مطالعه نماید؟

اهمیت تاریخ از نظر قرآن

بهترین پاسخ را قرآن کریم، مخزن وحی مسلمانان، ارائه کرده است. این کتاب آسمانی در آیاتی از سوره‌های انعام، نمل، روم و دیگر سوره‌ها می‌فرماید: در زمین سیر کنید و عاقبت کار مشرکان، مجرمان، تکذیب‌کنندگان و کافران را بنگرید. قرآن، مطالعه تاریخ را نوعی گردش در گسترده زمین می‌داند و مهم‌ترین فایده آن را «عبرت گرفتن» از سرگذشت افراد و امت‌ها معرفی می‌کند.

قرآن که مرجع عقاید، احکام و اخلاق در ابعاد فردی و اجتماعی است، یکی از مؤثرترین شیوه‌های انتقال معارف الهی را «بیان قصص» و «گزارش‌های تاریخی» پیشینیان و پیامبران قرار داده است. همان‌گونه که در دیگر کتاب‌های مقدس نیز شیوه تاریخ‌نگاری



برای انتقال حقیقت بکار رفته است.

اگرچه در قرآن واژه «تاریخ» به صورت مستقیم نیامده، اما در قالب واژه‌هایی همچون «اخبار»، «قصه»، «حدیث» و «سنن»، حدود سه هزار آیه به رخدادهای تاریخی اشاره دارد. داستان‌های گذشتگان در قرآن بسیار گسترده و متنوع است و در دسته‌بندی‌های تاریخی با محورهایی همچون پیامبران و فضای دعوت آنان، جغرافیای اقوام و ویژگی‌های روحی و اخلاقی مردمانی چون قوم نوح، عاد، ثمود، صالح و اعراب پیش از اسلام بررسی شده است. قرآن همواره تأکید می‌کند که این سرگذشت‌ها برای «عبرت» و شناخت مسیر درست زندگی بیان شده‌اند.

تاریخ، مانع تحریف واقعیت

یکی از ابزارهای مهم طواغیت برای به بند کشیدن ملت‌ها، تحریف ماهیت حقیقی خود و طرف مقابل است. مستکبران همواره کوشیده‌اند با ساختن تصویری دروغین از قدرت و ایدئولوژی خویش، خود را «منجی»، «حامی» و «خیرخواه» ملت‌ها معرفی کنند. آنان با اتکا به رسانه، قدرت نظامی و شبکه‌های نفوذ، چنان «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى» می‌گویند که ملت‌ها ناخودآگاه در برابرشان سر تسلیم فرود می‌آورند.

در کنار این، دستگاه تبلیغاتی همان مستکبران، ملت‌ها و جریان‌های مخالف را ناتوان، عقب‌مانده، غیرمنطقی یا فاقد توان اداره خود معرفی می‌کند؛ تا آنجا که گاهی حتی نخبگان این ملت‌ها نیز در گرداب جنگ روانی، توان و هویت واقعی خویش را از یاد می‌برند.

اما تاریخ بهترین معیار برای شناخت حقیقت است. تاریخ تحت تأثیر هیاهو و ظاهرسازی قدرت‌ها قرار نمی‌گیرد؛ بلکه ماهیت انسان‌ها و نظام‌ها را بر اساس «عمل» آنها نشان می‌دهد. اگر فرد یا نظامی از «حقوق بشر» سخن می‌گوید اما جنگ‌ها، کودتاها و غارت‌های فراوان به نام آن انجام می‌دهد، تاریخ به روشنی چهره واقعی او را آشکار می‌کند و اگر ملتی در برابر طاغوت، ایستادگی می‌کند، تاریخ عظمت و حقیقت اراده او را ثبت خواهد کرد.



از انحصار تا اقتصاد

نویسنده: زهرا سادات حورایی ورودی ۱۴۰۱ مهندسی هوافضا

بلندشان نشان دادند که می‌توانند در کنار خانم بودنشان، نقشی حیاتی در پیشرفت کشور داشته باشند، خانم دکتر مرضیه ابراهیمی، عضو هیئت علمی و مدیر گروه "درمان سرطان به کمک سلول های ایمنی" پژوهشگاه رویان و مدیر عامل شرکت دانش بنیان "کیان ایمن سلول" است. شرکتی که چندین محصول برای درمان تومورهای بدخیم سرطانی به کمک سلول درمانی تولید کرده است.

توصیف قدم های برداشته ایشان در مسیر رسیدن به دستاورد های علمی، چیزی جز رویا و خیال نیست.

درحقیقت تفاوت اصلی میان الگوی ارائه شده از غرب و هویت اصیل زن ایرانی در این است که زن را به عنوان «کالای مصرفی» و «ابزار جذابیت های ظاهری» تنزل داده اند و شخصیت انسانی و عقلانی او مورد تحقیر قرار می گیرد. اما در الگوی اسلامی-ایرانی، زن «کرامت ذاتی»، «عقلانیت» و «اراده متعالی» دارد. ما معتقدیم که «اسلام زن را از مقام انسانی بالا برده... در حالی که در تمدن غربی، زن به عنوان یک وسیله تبلیغاتی و مصرفی نگاه می شود.» بسیاری از زنان دانشگاهی، علاوه بر پژوهش های پیشرو، به «تربیت نسل آینده علمی کشور» و «تولید علم نافع» مشغولند.



افق پیش روی ما آن است که مشارکت فناورانه زنان، نه یک امتیاز ویژه، بلکه یک الزام رقابتی برای اقتصاد دانش بنیان ایران تلقی شود. حضور زنان در زنجیره نوآوری، باید از سطح "مشارکت در اجرا" به سطح "مالکیت بر دانش" و "رهبری در خلق ارزش" ارتقا یابد. اقتصاد آینده، اقتصادی است که بر تنوع، شمول و عدالت ساختاری بنا می شود و در این مسیر، هیچ سرمایه ای اصیل تر از زنان نوآور و صاحب فکر وجود ندارد.

دانشگاه از این منظر، تنها محیط کسب دانش نیست؛ بلکه یک «کارگاه قدرت آفرینی و استقلال سازی» است. زن دانشمند ایرانی در این محیط، با تلاش برای دستیابی به مرزهای دانش، به ویژه در علوم پایه و فناوری های راهبردی، مستقیم به افزایش «قدرت ملی» و «امنیت علمی» کشور کمک می کند.

«بچه بازیگوشی بودم؛ همه عشق و علاقه ام این بود که ماشین برانم یا با بچه ها پینت بال یا دوچرخه سواری یا کلاس تیراندازی برویم.

علاقه هایم خاص بود و پدرم به شرط درس خواندن اجازه می داد این کارها را انجام بدهم. برای همین هم دنیاایم در همین سرگرمی ها و درس خلاصه می شد. کتاب هم می خواندم ولی بیشتر کتاب های روانشناسی و خودیاری بود. دوران دبیرستان دیگر تقریباً همه کتاب هایم درسی بود.»

«دانشگاه خواجه نصیر فضای آموزش تئوریک کاملاً جدی داشت و بچه ها هم فعالیت علمی خوبی داشتند. در همان کارشناسی تجربه ساخت توربین بادی و مبدل حرارتی و گلايدر و تست های تونل باد را داشتم. خودم هم چند دوره آموزشی اضافه مثل طراحی و ساخت مولتی روتور را شرکت کردم. ایده ام این بود که بهتر است خودم را در حوزه مولتی روتورها قوی کنم و به نوعی آینده کاری و تحصیلی ام را روی این حوزه و کاربردهایی مثل پهپاد بگذارم. با این حال وقتی که برای کارآموزی به امید فضا رفتم، به نوعی همه این تصوراتم تغییر کرد. آنجا من کارم را در حوزه آنتن ها و طراحی ساختار مکانیکی آنها شروع کردم که برایم خیلی جدید بود. چون معدل لیسانسم بالا بود، ارشد مستقیم بودم و قرار بود از مهر همان سال، دوره ارشد هوافضا را در دانشگاه شریف شروع کنم. با این حال آنقدر از کار در امید فضا خوشم آمده بود که وقتی به من پیشنهاد ادامه همکاری دادند، قبول کردم و در آنجا ماندگار شدم؛ البته دوره ارشد را هم همزمان می گذراندم.»

نرگس قلی زاده متولد ۳ دی ۷۷ در شهر تهران و تحصیل کرده در رشته ی مهندسی هوافضا در دانشگاه های خواجه نصیر و شریف است. او می گوید: «در پروژه های مهندسی سیستم های پیشرفته، اغلب هرکسی بخشی از کار را انجام می دهد و مرحله بعدی را به همکارانش می سپارد. به عنوان عضوی از تیم مکانیک، بخش دیگری از کارم، مربوط به طراحی بخش هایی از ماهواره کوثر بود که پیش از من هم شروع شده بود. اولین نمونه ای که برای کوثر ساختم و کوچک تر از کوثر فعلی بود (U16 بود)، تست ناموفقی در سال ۱۴۰۱ داشت و عملاً تلاشی شد. خیلی برایمان سخت و ناامید کننده بود؛ ولی همان شکست، سکوی پرشی برای ما شد.» او می گفت: «در کنار کمبود هایی که وجود دارد، چیزی که مرا در امید فضا نگه داشت، چشم اندازی بود که نسبت به آینده داشتند؛ می دیدم که می دانند قرار است به کجا برسند و از موفقیتشان اطمینان دارند و این روی همه ما اثر می گذاشت.»

کشور ما پر از نقش آفرینی زنان گوناگونی است که با همه شرایطشان قدمی در پیشرفت کشور برداشته اند.

این عنصر مهم، یک «قدرت سازنده و پیشران» در تمام عرصه های علمی، اقتصادی و راهبردی ملت است. زنان «قله ی نشاط و حرکت و پویایی کشور» و امروزه، در میدان های گوناگون علم و فناوری، اقتصاد و فرهنگ، حضوری فعال و اثرگذار دارند.

اما نمونه ای دیگر از موفقیت های زنانی که با تواضع و همت

دانشجو، علی انصاری و تولید

نویسنده: محمد حسین سرلک ورودی ۱۴۰۲ مهندسی مکانیک

○○○ وقتی از دانشجو و نقش آفرینی آن در مسائل گوناگون صحبت می‌کنیم، باید ببینیم یک دانشجوی ایده‌آل چه دانشجویی است؟! دانشجو قطعاً یکسری مختصات مخصوص خود دارد که ممکن است در اکثر اذهان هم بروز داشته باشد که یک دانشجو کسی است که باید خوب درس بخواند و در طلب یادگیری علوم کلاسیک باشد، اما این نگاه یک نگاه حداقلی‌ست. دانشجویی که از جامعه و مسائل آن جدا افتاده و نسبت به آن‌ها بی‌اطلاع و بی‌اعتنا باشد در گام‌های آینده‌ی زندگی هم توجهش صرفاً معطوف به نفع شخصی و بعد فردی زندگی است و خود را در قبال دردها و زخم‌های اجتماع مسئول نمی‌بیند.

اما برویم سراغ اصل مطلب: ما گفتیم که دانشجو باید غیر از کارهای معمول که هر دانشجو با نگاه حداقلی رفع تکلیف و کسب مدرک، و در درجه بالاتر صرفاً کسب علم که در هر کجای جهان انجام می‌دهد، باید با جامعه و مسائل آن در ارتباط باشد و از آن بهتر کنش‌گری فعال داشته باشد. امروز یکی از مهم‌ترین مسائل کشور و جامعه ما اقتصاد است، از این جهت که زندگی و رفاه همه مردم به آن گره خورده و عضو جدایی ناپذیر زندگی مردم است. مسائل مختلفی در مشکلات اقتصادی امروز دخیل هستند.

از مهم‌ترین مسائل، مسئله بانک‌های خصوصی است که به دلیل خلق پول بی‌پشتوانه و اعطای تسهیلات کلان به اشخاص و مؤسسات وابسته و نکول آن‌ها، تسهیلات ارائه شده در پروژه‌های غیرمولد خرج می‌شد. (عملاً تبدیل شدن بانک به دستگاه چاپ پول برای افراد مرتبط و خلق تورم)

که اخیراً ناترازی‌ترین آن‌ها، بانک آینده، منحل شد. این موضوع نتیجه کنش‌گری و روشن‌گری افراد زیادی به خصوص جریان دانشجویی است. همین موضوع یک مثال از کنش‌گری برای حمایت از تولید و مقابله با سرمایه‌داران زالوصفت و رانت‌خوار است. در کشوری که برخی ادعا می‌کنند برای رشد هشت درصدی ناگزیر به جذب سرمایه خارجی هستیم، عده‌ای مجوز گرفته‌اند که بدون نظارت مؤثر هزاران میلیارد تومان اعتبار خلق کرده، خرج امور و پروژه‌های غیرمولد کرده، کشور را از این هدف دور کنند. قطعاً و یقیناً یکی از اقداماتی که جنبش دانشجویی برای حمایت از تولید می‌تواند انجام دهد مقابله با بانک‌هایی است که سرمایه‌گذاری برای تولید نمی‌کنند! در سالی که شعارش سرمایه‌گذاری برای تولید است نباید بگذاریم سرمایه‌گذاری برای ذبح تولید انجام بشود. از مهم‌ترین امور هم نقره داغ کردن سهامداران بانک‌های متخلف است. إن شاء الله با مطالبه محاکمه سهامدار ارشد بانک آینده و جبران زیان انباشته‌ی وارده بر مردم از اموال متهم، گامی دیگر در جهت تحقق شعار سال توسط جنبش دانشجویی را شاهد خواهیم بود.



نظم نوین جهانی

نویسنده: عرفان رفیعی ورودی ۱۴۰۱ مهندسی صنایع

است، یک مفهوم سیاسی-ارزشی که مصداق آن تابع تفسیر قدرت‌ها و بازمانی آن بر عهده‌ی رسانه‌هایی که از طریق همین سرمایه‌های کثیف تأمین مالی می‌شوند.

در جنگ غزه رژیم صهیونیستی و آمریکا چنان وحشی‌گری به خرج دادند که هر چه کوشیدند نتوانستند مبنا و معنایی برای اقداماتشان به خورد افکار عمومی و برخی سیاسیون دهند.

موج به رسمیت شناختن‌های فلسطین توسط دولت‌ها، فروش جنبش‌های اجتماعی علیه این اقدامات و همچنین قتل خبرنگاران توسط رژیم صهیونیستی در باریکه غزه شاهدی بر این مدعاست: گفتمان تروریسم اسلامی دیگر هراس‌انگیز نیست، آنچه وحشتناک و دردآور است نسل‌کشی رژیم غاصب و کودک‌کش صهیونیستی است. در باب جنگ ۱۲ روزه و اسنپ‌بک هم نظام بین‌الملل شاهد گسست شد؛ چین، روسیه و جنبش عدم تعهد که ۱۲۰ دولت را شامل می‌شود حملات رژیم صهیونیستی و آمریکا را محکوم کرده و در بیانیه‌ای فرآیند اسنپ‌بک را غیرقانونی و خواستار توقف اجرای قطعنامه‌ی ۲۳۳۱ طبق زمانبندی مورد توافق در برجام شده‌اند.

امروز تحریم‌های آمریکا و غرب که قصد منزوی ساختن و به صفر رساندن صادرات انرژی ایران و روسیه را داشته شکست خورده و تحریم‌های ثانویه آمریکا و غرب روز به روز در معادلات و محاسبات اقتصادهای شرقی مانند چین و هند کم رنگ‌تر می‌شود.

همچنین شاهد گذار از جهانی‌سازی به ملی‌گرایی اقتصادی و شکل‌گرفتن پیمانه‌های منطقه‌ای مقوم این منطق مانند بریکس، شانگهای، ASEAN و... که تضعیف‌کننده‌ی نظم تک‌قطبی هستند، می‌باشیم. جنگ تعرفه‌ای ترامپ هم مؤید دیگری بر شکل‌گیری این ملی‌گرایی اقتصادی و تضعیف نهادی و ابزاری WTO و بر علیه نظم آمریکایی است.

شواهد صحنه‌ی تحولات بین‌المللی از فرو ریختن پیوستار نظم آمریکایی از طریق تضعیف ابزارهای نهادی، نظامی و عدم اقبال افکار عمومی به روایت‌های آمریکایی و ظهور قدرت‌های شرقی محاکات می‌کند.

۵۵۵ با گذار از جهان دو قطبی کاپیتالیستی-کمونستی در اواخر قرن بیستم که با کمک قواعد، ابزارهای نهادی و نظامی آمریکایی و همچنین هجوم بی‌امان دستگاه‌های روایت‌سازی ناتوی فرهنگی علیه افکار عمومی ممکن شده بود؛ نظم تک‌قطبی آمریکایی با استفاده از همین ابزارها تثبیت شد.

در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ سیاست‌های نئولیبرالی که نسخه‌ی تجویزی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول بر خصوصی‌سازی‌های مفرط، تجارت آزاد، دولت‌زدایی از اقتصاد و کاهش هزینه‌های عمومی دولت استوار بود؛ روند جهانی‌سازی را که از دهه‌ی ۱۹۸۰ آغاز شده بود به اوج خود رساند.

این سیاست‌ها منجر به خصوصی‌سازی جنوب جهانی به نفع شمال جهانی، شکاف فاحش رفاه عمومی و رونق اقتصادی صنعتی و اقتصادی شمال-جنوب و فربه‌تر شدن مؤسسات چند ملیتی با چندان سرمایه و قدرتی بود که با کمک آمریکا برای دسترسی به منابع بیشتر و کم هزینه‌تر دولت‌های ملی را سرنگون کرده و جنگ برپا می‌کردند.

برای نمونه در منطقه‌ی غرب آسیا مداخلات نظامی آمریکا در افغانستان (۲۰۰۱)، عراق (۲۰۰۳)، سوریه (۲۰۱۱) موجب رشد و خلق بازار برای شرکت‌های خصوصی امنیتی، اسلحه‌سازی‌ها، صنایع دفاعی آمریکا و شرکت‌های نفتی چند ملیتی شد.

این مداخلات و سیاست‌های توسعه‌طلبانه و استکباری آمریکا ذیل گفتمان جعلی تروریسم اسلامی توجیه و در افکار عمومی جهان طبیعی انگاشته شد و اجماع بین‌المللی و جهانی کسب کرد. آمریکایی‌ها طی این سال‌ها محور مقاومت را به تروریسم اسلامی منسوب کرده‌اند.

تروریسم اقدام خشونت‌آمیز برای تحقق اهداف سیاسی، امنیتی



مِنْ الْمُؤْمِنِينَ جَلَالُ صَدَقَاتِهِمْ مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ
فَبِهِمْ مِنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْظُرُ مَا بَدَلُوا بِدِيلًا



سنگدیز لشکر محمود باقری

دانش آموخته مهندسی نقشه برداری
دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی
جانشین هوافضای سپاه

«آنچه استکبار جهانی و در رأس آن،
آمریکای جنایتکار با آن مخالف است،
همین دین شما و دانش شماست؛ با دین
شما مخالفند، با این ایمان گسترده مردم
مخالفند، با این اتحاد در زیر سایه‌ی اسلام و
قرآن مخالفند؛ و با دانش شما مخالفند.»

مقام معظم رهبری ۱۴۰۴/۵/۷



مجلس شورای اسلامی
دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی

نشریه برهان

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه خواجه نصیر الدین طوسی

مدیر مسئول: امیرعلی محمودی سردبیر: مهران رحمان مرندی صفحه آرا: زهرا علی محمدی

تیم تحریریه: زهرا سادات حورایی، سید امیرمسعود رضوی، عرفان رفیعی، محمدحسین سرلک، امیررضا عابدی، پرمیدا نوبخت، علیرضا یزدانپناه